

نگاه **معمومه رضایی**: تاریخ‌پژه

همبستگی نظامی شاه با آمریکا نامتزلزل است

مقالات و گزارش‌های مربوط به سفر شاه و اعتراض مخالفان وی، حدود ۲هفته قبل از سفر نامه‌پرداز آمریکا منعکس شد و تا یک هفته بعد از اینکه شاه آمریکا را ترک کرد، هنوز مطالبی در این زمینه در مطبوعات چاپ می‌شد. تقریباً بدون استثنا، روزنامه‌های معروف ایالات متحده آمریکا با اشعار و به این سفر، و رابطه با خفقان حاکم در ایران و شیوه مستبدانه و سرکوبگرانه نظام پهلوی در حکومتداری و قلع و قمع مخالفین شاه، مقالاتی به چاپ می‌رساندند. در همین راستا، مختصر به بازخوانی بازتاب این سفر و حواشی آن در مطبوعات خارجی می‌پردازیم.

واقعیات خفقان و شکنجه در ایران

حدود ۲هفته قبل از سفر شاه، روزنامه «ال استریت‌چورنال» که یکی از معتبرترین روزنامه‌های سراسرمایه‌داران آمریکایی است، در ۴ نوامبر، طی مقاله‌ای به مشکلات اقتصادی و سیاسی ایران اشاره کرد و بدین‌وسیله، خطراتی را که با بحران‌های کنونی اوضاع اجتماعی در ایران، متوجه طبقه حاکمه آمریکا شده، به آنان خاطر‌نشان کرد. ری ویکر، نویسنده این مقاله، می‌نویسد: «اکنون تقریباً اوضاع بی‌سابقه‌ای ادر ایران آشکار گشته است. گرچه مخالفین از محکوم کردن مستقیم خود شاه امتناع می‌ورزند، لکن مخالفی عمومی با حکومت شاه نمایان شده است...» نویسنده در ادامه، به نامه‌های متعددی که از طرف عده‌ای از روشنفکران و وکلای ایرانی، در اعتراض و مخالفت با دستگاه اختناق دولتی ایران نوشته شده، اشاره می‌کند. علاوه بر ال‌استریت‌چورنال، روزنامه‌های دیگر نیز هم‌زمان با سفر شاه، به ناراضی عمومی مردم در ایران اشاره کردند. «ولیم برانگین» در مقاله‌ای تحت‌عنوان «شاه ایلیستی از اسلحه روانه آمریکا می‌شود»، در واشنگتن پست ۴ نوامبر نوشت: «در آستانه سفر شاه به ایالات‌متحده، گروهی از ایرانیان سرشناس، نامه‌ای در اختیار مطبوعات خارجی گذاشتند که در آن خواهان انحلال پلیس مخفی وحشتناک ایران، ساواک، آزادی انتخابات و تغییرات دیگر شدند. تحقق این تغییرات، رژیم شاه را از کار می‌اندازد.»

جیمز بیل، استاد دانشکده حقوق سیاسی دانشگاه تگزاس که چندین سال در ایران بوده، ضمن مقاله‌ای که در روزنامه «کریسشن ساینس مانیاتور» ۹ نوامبر نوشته، در آن به بحران ایران نیز اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در زیر این ظاهر پرزرق‌وبرق که در رابطه با مدرن‌نشدن اوضاع در هم و برهم اقتصادی وجود دارد، اوضاع ایران چندان هم خوب نیست...» نویسنده در رابطه با تشدید خفقان بی‌سال‌های ۷۹-۱۹۷۷ نیز می‌گوید: «در حین همین سال‌ها، حکومت قادر نبود چریک‌های از جان گذشته شهری را که علیه رژیم به تروریسم دست یازیده بودند، کنترل کند. هر چه پلیس بیچ‌ها را سفت‌تر می‌کرد، اپوزیسیون نیز از احساسات بیشتر و شدیدتری برخوردار می‌شد...»



محمدرضا پهلوی در کنار جیمی کارتر، واشینگتن، ۱۳۵۶

واقعیات حمایت کارتر از شاه

شب ۱۵ نوامبر، در ضیافت شامی که از طرف کاخ سفید به افتخار شاه برگزار شده بود، کارتر حمایت دولت آمریکا در دفاع از رژیم خفقان و ترور شاه اعلام کرد. گزارش این ضیافت در بسیاری از جراید و من‌جمله «واشنگتن استار» به چاپ رسید. در این گزارش آورده شده که «با توصیف اینکه شاه رهبری آگاه است، وی آکار تر آ گفت، همبستگی نظامی ما غیرقابل‌تزلزل است و این همبستگی در تأثیر جهانی‌اش سودمند است... ما به قدرت ایران به منزله بخشی از قدرت خود می‌نگریم و ایران نیز قدرت ما را همانند قدرت خود می‌داند...» در این ضیافت، کارتر خیلی از «رهبری خردمندانه» شاه تعریف و تمجید می‌کند و جواب به سؤال خبرنگاران درباره‌ی گاز اشک‌آوری که در تظاهرات صبح همان روز باعث سرازیرشدن اشکش شده بود، می‌گوید: «آنچه باعث سرازیرشدن اشک من شد، صحبت‌ها و تعریف‌های خوشحال‌کننده کارتر بود!...»

مقالات متعددی در جراید، حمایت کارتر از شاه و به‌عنوان بهترین نشانه دورویی وی قلمداد کردند. مقاله «هاریت هورن» در روزنامه «نیویورک پست» ۱۶ نوامبر، نمونه خوبی است که وی در آن با ذکر شاهد مثال‌هایی از خفقان موجود در ایران می‌نویسد: «این ملاقات شاه و شهبانویش، دررویی گویایی را در مقابل ما قرار می‌دهد. چرا باید ما در مقابل شخصی که تخت و تاج سلطنتش را با استفاده از وحشیانه‌ترین طرق سرکوبی پابرگانه‌داشته، قالی قرمز پهن کنیم؟ می‌گذریم! این است که این محمدرضا پهلوی، با آن دشمنان نافذطلایی فریبنده‌اش، مخلوق خود ماست. در سال ۱۹۵۳ میلیون دلار از پول‌های مالیات‌پردازان آمریکا خرج این شد که حکومت قانونی مصدق برکنار شود و شاه فراری روی کار آورده شود. شاهنشاه، تخت سلطنت، وپه‌په‌های جینگی از تنش پلیس مخفی‌اش را مدیون سازمان سیای ماست...» بعد نویسنده مقاله‌اش را اینطور تمام می‌کند: «ایران به مدارس، مشاغل، و مسائل بهداشتی، جاده و... احتیاج دارد و حالا شاه اینجاست که او خوشامد می‌گوید. این یک دورویی است...»

اما از میان تمام جراید پر تیراژی که در باره سفر شاه به آمریکا نوشته‌اند، مقاله‌ای در مجله «پلیچ‌ویس» به تاریخ ۱۴ نوامبر، بهتر از همه لم‌لمطلب را آدمی می‌کند: «سه‌شنبه آینده با ورود شخصی به ایالات‌متحده که می‌تواند به‌خاطر دستاوردی برجسته، یعنی قالب کردن مشتکی شکنجه‌گر به‌عنوان انسان‌هایی شیک و آراسته، به خود بیاید، این امر ثابت خواهد شد که شکنجه را می‌توان از درون یک لیوان پر از شامپاین، زیباتر دید و پویا را بلعیدن دهانی پر از خاویار لذیذتر چشید...»

الهام دانایی سرشت گزارش

۴۵سال پیش در چنین روزی‌هایی، محمدرضا پهلوی و فرح دیبا واهی آمریکا شدند تا از نقار جیمی کارتر در جریان رفتار انتخاباتی شاه در آمریکا بگماهند. این رویداد اما، نتایج غیرمنتظره به‌بار آورد و به عکس خود مبدل شد! مقال بی‌آمده، ابعاد این رویداد تاریخی را بازخوانده است.

شاه در تکاپوی رفع و رجوع یک حمایت انتخاباتی
انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در سال ۱۹۷۶میلادی (۱۳۵۵شمسی)، در حالی به پایان رسید که پیروزی «جیمی کارتر» - نامزد حزب دمکرات - به‌هیچ‌وجه خوشایند شاه نبود. او بیشتر مایل بود «جرالد فورد»- نامزد حزب جمهور-خواه- را در کاخ سفید ببیند، چرا که علاوه بر تجربه‌ای که او از دوره استقرار دمکرات‌ها در کاخ سفید داشت، شعارهای اولیه کارتر درباره ایران نیز وی را سخت نگران می‌کرد. اما بعد از پیروزی جیمی کارتر، موقعیت استراتژیک ایران و نقشی که از سوی ایالات‌متحده به‌شاه در منطقه واگذار شده بود، موجب شد تا شعارهای میهم، فدای مصالح سیاسی شود. «سایروس ونس»-وزیر وقت امور خارجه آمریکا- صراحتاً می‌گوید: «ما از قبل به این نتیجه رسیده بودیم که پشتیبانی برقرار بود...»^(۱) نقش سازنده‌ای در مسائل منطقه‌ای بازی کند، به نفع مصالح ملی ماست...» او تصریح می‌کند: «بین سیاست‌های شاه و منافع اساسی ما در منطقه، همسویی قابل‌توجهی برقرار بود...»^(۲) در میانه نوامبر ۱۹۷۷(۱۵ آبان ۱۳۵۶)، درست یک‌سال بعد از روی کار آمدن کارتر، محمدرضا پهلوی به دعوت رئیس‌جمهور جدید آمریکا، راهی ایالات‌متحده شد. این دعوت برای شاه بسیار مستر‌بخش بود چرا که «از نظر شاه این سفر، نشانه اولیه مهم حمایت کارتر از سیاست‌ها و حاکمیت او» تلقی می‌شد. ^(۳) با وجود خوشحالی اولیه شاه از این سفر سیاسی، از بدو ورود او به آمریکا، وقایع رخ داد که این سفر را برای شاه تلخ کرد و از جنبه تبلیغاتی، برای دستگاه پهلوی افتضاح به‌بار آورد!

سفری با سوغات اشک و تلخی برای شاه!

محمدرضا پهلوی و همسرش به‌دنبال دعوت رسمی جیمی کارتر، عازم آمریکا شده و در ۱۳ آبان ۱۳۵۶ وارد این کشور شدند. سفر محمدرضا پهلوی به‌مبارزات مهم‌گسترده آمریکاییان در این کشور، رژیم شاه یادآوری شده بود تا بدین نحو، همسویی این دو دولت نیز به نوعی تبیین شود. دانشجویان در پایان ایبانه با اشاره به سفر شاه به آمریکا تصریح کرده بودند: «واینک شاه به آمریکا می‌آید، شاهی که در ایران از هیچ‌چیز مشروعبت نمی‌گیرد و تنها از غرб مشروعبت کسب می‌کند. باید این دیوانه فریب خاثن است و فساد است، و قاتل است، ولی در ضمن نباید فریب تبلیغات دستگاه‌های غرب را خورد. روابط میان طبقه حاکمه جامعه سلطه‌گر و طبقه حاکمه جامعه زسرسلطه، روابطی دیالکتیکی است- سرانجام هر دو به یک هویت می‌رسند. اگر نیکسون و شاه، اگر کارتر و شاه از یک جنس نبودند و در فساد یک هویت نداشتند، در یک جا گرد نمی‌آمدند...» در بند پایانی این بیانیه آمده بود: «واینک ما مییم و جنازه‌های قربانیان پر شمار این رژیم، ما مییم و ملتی که به ضعف کشیده شده، به بند کشیده شده، ولی سر بلند و بی‌شور فریاد نه‌سر می‌دهد و یاری می‌طلبد. ما مییم و پیش از ۵۰هزار انسان آزاده‌ای که به‌خاطر این ملت در نیندند ما مییم و چشم‌ان‌گرد در این درگیری، نزدیک به ۲۰۰۰ نفر بود که ۱۵۰۰ نفر از موافقان حمله‌برند

تاریخ



وقتی حمایت کارتر نیز فایده ندارد

باز خوانی آخرین سفر محمدرضا پهلوی و فرح به آمریکا

در جریان این درگیری، ۲۴ نفر از تظاهرکنندگان و افراد پلیس مجروح شدند. هنگامی که شبکه تلویزیونی آن‌بی‌بی‌سی آمریکا تصاویر و فیلم‌های مربوط به تظاهرات دانشجویان را پخش کرد، مفسر این شبکه آن را به اعتراضات گروهی از آمریکایی‌ها، در جهت مخالفت با جنگ ویتنام در دهه ۱۹۶۰، شبیه دانست. به‌گفته خیر گزارشی از زمان جنگ ویتنام، پایتخت آمریکا شاهد چنین تظاهراتی نبوده است! جیمی کارتر در کتاب خود، آن لحظه را به یادماندنی و همسرش زولیان، این واقعه را فراموش‌نشدنی نامیده است. کارتر بعدها از آن، به‌عنوان یک واقعه شوم یاد کرد.^(۴) البته در تمام طول مسافرت شاه، تظاهرات پراکنده‌ای در نزدیک کاخ سفید و دیگر نقاط واشنگتن همچنان جریان داشت، ولی به‌دلیل آمادگی بیشتر پلیس، حادثه جدی دیگری رخ نداد.

فریادی علیه نوگرشی شاه برای آمریکا

بی‌تردید نباید نقش امام‌خمینی (ره) را در تظاهرات، که از خارج از کشور برگزار می‌شد، فراموشی. ایشان کمی پیش از دیدار شاه و کارتر، در پیامی خطاب به دانشجویان چنین فرمودند: «من به این جنبش و بیداری عمومی که در کشور راهی اسلامی عموماً و در ایران خصوصاً پدید آمده و به این تنفر عمومی از دستگاه‌های ظلم و وحشیگری و استعمار و استعمارگران امیدوارم...» «باید شاه و دار و دسته‌اش بدانند که چه در ملاقات با رئیس‌جمهور آمریکا، موفق به‌تجدید نمی‌تواند. تثبیت مقام قانونی بشود یا نشود، ملت ایران او را نمی‌خواهد و دستت از مبارزه بر نمی‌دارند...»^(۵) چنان که «ولیم سولیوان»، سفیر وقت آمریکا در ایران به یاد می‌آورد: «اجتماع گروه‌های مخالف شاه، ابتدا در شهر ویلیامزبورگ صورت گرفت. چند تن از تظاهرکنندگان هم‌مکس‌هایی با خود حمل خیلی آشناتوبود و آن‌مکس‌های آیتالله‌خمینی بود، بعضی از شعارها که مضمون آن به یادمانده، شاه را نوکر آمریکا معرفی می‌کرد و خطاب به آمریکایی‌ها نوشته بود: «امریکادست از ایران بردار!»^(۶)

همچنین انجمن اسلامی دانشجویان در شمال کالیفرنیا با صدور یک بیانیه ۸صفحه‌ای، به‌شدت علیه شاه و سیاست‌های کارتر موضع‌گیری کرد. این بیانیه سیر به قدرت رسیدن پهلوی و تثبیت حاکمیت آن رژیم را در تسکیم کارتر از شاه و به‌دنبال‌دهی چه نقشی در این مهم داشته‌اند. دانشجویان سپس با اشاره به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نقش آمریکا را در آن کودتا بر ملا کردند. در بخشی از این بیانیه مبارزات امام خمینی‌شده برای احیای انسانیت رژیم شاه یادآوری شده بود تا بدین نحو، همسویی این دو دولت نیز به نوعی تبیین شود. دانشجویان در پایان ایبانه با اشاره به سفر شاه به آمریکا تصریح کرده بودند: «واینک شاه به آمریکا می‌آید، شاهی که در ایران از هیچ‌چیز مشروعبت نمی‌گیرد و تنها از غرб مشروعبت کسب می‌کند. باید این دیوانه فریب خاثن است و فساد است، و قاتل است، ولی در ضمن نباید فریب تبلیغات دستگاه‌های غرب را خورد. روابط میان طبقه حاکمه جامعه سلطه‌گر و طبقه حاکمه جامعه زسرسلطه، روابطی دیالکتیکی است- سرانجام هر دو به یک هویت می‌رسند. اگر نیکسون و شاه، اگر کارتر و شاه از یک جنس نبودند و در فساد یک هویت نداشتند، در یک جا گرد نمی‌آمدند...» در بند پایانی این بیانیه آمده بود: «واینک ما مییم و جنازه‌های قربانیان پر شمار این رژیم، ما مییم و ملتی که به ضعف کشیده شده، به بند کشیده شده، ولی سر بلند و بی‌شور فریاد نه‌سر می‌دهد و یاری می‌طلبد. ما مییم و پیش از ۵۰هزار انسان آزاده‌ای که به‌خاطر این ملت در نیندند ما مییم و چشم‌ان‌گرد در این درگیری، نزدیک به ۲۰۰۰ نفر بود که ۱۵۰۰ نفر از موافقان حمله‌برند

سایروس ونس، وزیر خارجه کارتر: «این تظاهرات پس از چندین سال آرامش نسبی در میان جمعیت زیاد دانشجویان ایرانی در ایالات‌متحده، شاید برای شاه حکایت از این داشت که اپوزیسیون احیاشده، سال آینده بر ایران مسلط خواهد شد. برخی از تحلیل‌گران انقلاب در بازنگری‌ای که از انقلاب ایران به عمل آورده‌اند، نشان‌دهنده این است که این تظاهرات را یکی از نشانه‌های پیش از موقع بحرانی دانسته‌اند که به انقلاب منجر شد...»

مخالفین شاه مطالبی نوشته شده بود. هر چند که در میان گزارش‌های مربوط به سفر شاه، بودند مقالاتی که از «پیشرفت‌های ایران تحت رهبری شاه» سخن گفتند و به‌طور ضمنی بر این ادعای استقبال از مرگ سیاه و سقوط یک ملت بزرگ است. توافرت از دست‌نرفته، لازم است که سکوت شکسته شود و اعتراض آغاز گردد...»^(۷) اگرچه شاه در مصاحبه‌ای با یکی از تلویزیون‌های آمریکا، در این‌باره گفت اطمینان دارد که اگر اغلب این تظاهرکنندگان، مارکسیست هرج و مرج طلب نباشند، بسیاری از آنها هستند او علت این تظاهرات را اهمیت روزافزون ایران دانست. وی گفت: «وقوع این حادثه، بر مذاکره‌اش با کارتر تأثیری نداشته است، ولی از مطبوعات آمریکا به‌دلیل طرفداری از مخالفش گله کرد.»^(۸) تسماع آمریکا هنگام برگزاری تظاهرات دشده‌ها، او را دچار سردرگمی کرد و گمان برد که این احساسات، از سوی آمریکا حمایت می‌شود؛ به‌خصوص اینکه مقامات آمریکایی اعتقاد داشتند، که گوش میلیون‌ها نفر از مردم جهان ضعیف عمل کرده بود.^(۹) بدین صورت، این حادثه به نقطه تارکب سفر شاه تبدیل شد که قرار بود تبلیغات وسیعی روی آن صورت بگیرد.

جهانی‌شدن ماهیت واقعی حکومت پهلوی

هنگام سفر شاه به آمریکا، بارها صدای اعتراض دانشجویان ایرانی، از طریق رادیو و تلویزیون به گوش میلیون‌ها نفر از مردم جهان رسید. خیر تظاهرات دانشجویان ایرانی در صفحه اول معروف‌ترین و پر تیراژترین جراید آمریکا، از قبیل «نیویورک تایمز»، «واشنگتن پست»، «پلیچ‌ویس»، «کریسشن ساینس مانیاتور»، «واشنگتن استار» و... منعکس شد. در این سفر ۳روزه، ده‌ها مقاله در جراید آمریکا چاپ شد که در آن درباره خفقان در ایران و زندان و شکنجه



سایروس ونس، وزیر خارجه کارتر: «این تظاهرات پس از چندین سال آرامش نسبی در میان جمعیت زیاد دانشجویان ایرانی در ایالات‌متحده، شاید برای شاه حکایت از این داشت که اپوزیسیون احیاشده، سال آینده بر ایران مسلط خواهد شد. برخی از تحلیل‌گران انقلاب در بازنگری‌ای که از انقلاب ایران به عمل آورده‌اند، نشان‌دهنده این است که این تظاهرات را یکی از نشانه‌های پیش از موقع بحرانی دانسته‌اند که به انقلاب منجر شد...»

مخالفین شاه مطالبی نوشته شده بود. هر چند که در میان گزارش‌های مربوط به سفر شاه، بودند مقالاتی که از «پیشرفت‌های ایران تحت رهبری شاه» سخن گفتند و به‌طور ضمنی بر این ادعای استقبال از مرگ سیاه و سقوط یک ملت بزرگ است. توافرت از دست‌نرفته، لازم است که سکوت شکسته شود و اعتراض آغاز گردد...»^(۷) اگرچه شاه در مصاحبه‌ای با یکی از تلویزیون‌های آمریکا، در این‌باره گفت اطمینان دارد که اگر اغلب این تظاهرکنندگان، مارکسیست هرج و مرج طلب نباشند، بسیاری از آنها هستند او علت این تظاهرات را اهمیت روزافزون ایران دانست. وی گفت: «وقوع این حادثه، بر مذاکره‌اش با کارتر تأثیری نداشته است، ولی از مطبوعات آمریکا به‌دلیل طرفداری از مخالفش گله کرد.»^(۸) تسماع آمریکا هنگام برگزاری تظاهرات دشده‌ها، او را دچار سردرگمی کرد و گمان برد که این احساسات، از سوی آمریکا حمایت می‌شود؛ به‌خصوص اینکه مقامات آمریکایی اعتقاد داشتند، که گوش میلیون‌ها نفر از مردم جهان ضعیف عمل کرده بود.^(۹) بدین صورت، این حادثه به نقطه تارکب سفر شاه تبدیل شد که قرار بود تبلیغات وسیعی روی آن صورت بگیرد.

مخالفین شاه مطالبی نوشته شده بود. هر چند که در میان گزارش‌های مربوط به سفر شاه، بودند مقالاتی که از «پیشرفت‌های ایران تحت رهبری شاه» سخن گفتند و به‌طور ضمنی بر این ادعای استقبال از مرگ سیاه و سقوط یک ملت بزرگ است. توافرت از دست‌نرفته، لازم است که سکوت شکسته شود و اعتراض آغاز گردد...»^(۷) اگرچه شاه در مصاحبه‌ای با یکی از تلویزیون‌های آمریکا، در این‌باره گفت اطمینان دارد که اگر اغلب این تظاهرکنندگان، مارکسیست هرج و مرج طلب نباشند، بسیاری از آنها هستند او علت این تظاهرات را اهمیت روزافزون ایران دانست. وی گفت: «وقوع این حادثه، بر مذاکره‌اش با کارتر تأثیری نداشته است، ولی از مطبوعات آمریکا به‌دلیل طرفداری از مخالفش گله کرد.»^(۸) تسماع آمریکا هنگام برگزاری تظاهرات دشده‌ها، او را دچار سردرگمی کرد و گمان برد که این احساسات، از سوی آمریکا حمایت می‌شود؛ به‌خصوص اینکه مقامات آمریکایی اعتقاد داشتند، که گوش میلیون‌ها نفر از مردم جهان ضعیف عمل کرده بود.^(۹) بدین صورت، این حادثه به نقطه تارکب سفر شاه تبدیل شد که قرار بود تبلیغات وسیعی روی آن صورت بگیرد.

منابع در سروسو تاریخ همشهری موجود است.

شششنبه ۱ آذر ۱۴۰۱
شماره ۸۶۴۵

تاریخ اسلام

گونه‌شناسی فکری سیاسی حوزه علمیه قم

کتاب «گونه‌شناسی فکری سیاسی حوزه علمیه قم» نوشته عبدالوهاب فراتی اثری تحقیقی از پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است که از سوی سازمان انتشارات پژوهشگاه منتشر شده است. این اثر پژوهشی شامل ۴ فصل با عناوین «کلیات و

تمهیدات نظری»، «روحانیت و تحول در اندیشه»، «روحانیت و نظم‌های سیاسی کانونی» و «درهم ریختگی‌های نظری یا برش‌های طولی در حوزه علمیه قم» است و فراتی در بخشی از مقدمه این کتاب نوشته است، بر خلاف تصورات اولیه، باید اذعان کرد ادبیات موجود درباره جریان شناسی فکری و سیاسی روحانیت پس از انقلاب اسلامی، به‌شدت فقیر است. اغلب منابع موجود درباره سال‌های قبل از انقلاب به‌ویژه روزگار مشروطه به این سو سخن گفته‌اند. از نظر زمانی می‌توان مطالعات مربوط به روحانیت را به ۳ دوره کلی تقسیم کرد: دوره فعالیت و حضور روحانیت در نهضت مشروطیت، دوره انفعال و سکوت روحانیت در عصر پهلوی اول و آغاز قیام روحانیت در نیمه سلطنت پهلوی دوم و دوره مشارکت روحانیت در قدرت در عصر جمهوری اسلامی. در معرفی این کتاب آمده است، بر خلاف صورت‌بندی روحانیت در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی به‌دو گروه منزوی و فعال، امروزه این نهاد دچار تنوعات زیادی از درون شده است. دلیل این امر را باید در مواجهه آنان با جزئیات‌مدنیت سیاسی و نیز حضورشان در ارکان مختلف حکومت دینی جستجو کرد. شناخت این تنوعات برای آنان که از نمای نزدیک تحولات سیاسی و اجتماعی نهاد متولی دین را دنبال می‌کنند ارزش بسیاری دارد.

تاریخ پایداری

رفیق

کتاب «رفیق» روایتی از زندگی و رشادت‌های فرمانده شهید «خلیل حسن‌بیگی» از فرماندهان دوران دفاع‌مقدس به قلم الهام باقری است که از سوی انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است. در این کتاب، در قالب

زندگی‌نامه داستانی، بخشی از سبک زندگی، شخصیت، منش و مجاهدت‌های شهید خلیل حسن‌بیگی در دوران دفاع مقدس به روایتی همسر، خانواده و همرزمانش روایت شده و در بخش پایانی کتاب هم تصاویری از شهید منتشر شده است. سردار شهید خلیل حسن‌بیگی در سال ۱۳۳۳ در یزد به دنیا آمد. وی پیش از انقلاب به صف مبارزه با حکومت طاغوت پیوست و تا آخرین لحظه در خط مقدم دفاع از میهن و ارزش‌های انقلاب اسلامی حضور داشت. او سخنرانی توانا بود و اطلاعات وسیعی درباره جبهه و جنگ، به‌ویژه جبهه‌های جنوب و غرب داشت و به همین دلیل روزنامه‌ها و دوستانش به او لقب «کتاب‌کنه جنگ» داده‌بودند. در مطالب کتاب اشاره شده که شهید خلیل حسن‌بیگی حضوری مداوم و شاید همیشگی در جبهه‌ها داشت و فقط چند روزی را در سال به یزد می‌آمد؛ حتی چند دفعه خانواده‌اش را برای بازدید به جبهه برده بود. این روزنامه‌رشدید سرانجام در روز ۲۵ دی‌ماه ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ در منطقه شلمچه در ۳۲ سالگی به شهادت رسید و پیکر مطهرش در گلزار شهدای خلدبرین به خاک سپرده شد.

تاریخ شفاهی

من به این آرم اعتماد دارم

کتاب «من به این آرم اعتماد دارم»، حساوی حیاترات آموزشیار نهضت سوادآموزی خراسان از مجموعه تاریخ شفاهی نگرانی علیحضرت از سبب می‌شود؟»، می‌گوید: «علیه‌داشته و دعا می‌کنم که هر چه زودتر شما از آثار و عواقب جنگ ویتنام و جریان واترگیت ویتنام و جریان واترگیت قابل فهم است، تهاجم آمریکا به کشورمان و متعاقب آن افسای افتضاح واترگیت در آمریکا بود که چشم بسیاری از مردم آمریکا را باز کرد. در هر صورت این تظاهرات، شاه را بیش از پیش نگران ساخت و انتشار اخبار آن به‌طور مضاعف موجب رسوایی شاه شد و فرایند شکست سیاست‌های شاه و آمریکا را سرعت بخشید. جیمی کارتر بعدا درباره آن روز اعتراف کرد: «روز ۱۵ نوامبر ۱۹۷۷ حوادثی را خیر می‌داده، گواز اشک‌آور اندوه دیگری را به‌دنبال داشت. طی ۳سال آینده و از ۱۴ ماه بعد از آن حادثه، کشورمان و رابطه با ایران دچار مصیبت گردید...»^(۱) به اعتقاد «سایروس ونس» وزیر خارجه دولت کارتر نیز «این تظاهرات پس از چندین سال آرامش نسبی در میان جمعیت زیاد دانشجویان ایرانی در ایالات‌متحده، شاید برای شاه حکایت از این داشت که اپوزیسیون احیاشده، سال آینده بر ایران مسلط خواهد شد. برخی از تحلیل‌گران انقلاب در بازنگری‌ای که از انقلاب ایران به عمل آورده‌اند، اینن تظاهرات را یکی از نشانه‌های پیش از موقع بحرانی دانسته‌اند که به انقلاب منجر شد...»

سوادآموزی خراسان مصاحبه شده است.